

به نام خدا

ارزیابی اجرا و آثار قانون افزایش پذیرش
دانشجو در دانشگاه‌های مادر و مهم دولتی در
سال ۱۳۸۷

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۲.....	۱. اعتراض پر دامنه به نتایج آزمون.....
۳.....	۲. سهمیه‌بندی.....
۷.....	۳. بومی‌گزینی.....
۹.....	۴. تعدیل سیاست بومی‌گزینی با وضع قانون.....
۱۰.....	۵. بومی‌گزینی آزمون سراسری در سال ۱۳۸۸.....
۱۱.....	نتیجه‌گیری.....
۱۳.....	منابع و مآخذ.....

کد موضوعی: ۲۱۰

شماره مسلسل: ۹۸۴۱

شهریور ماه ۱۳۸۸



ارزیابی اجرا و آثار قانون افزایش پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های مادر و مهم دولتی در سال ۱۳۸۷

چکیده

اجرای مصوبه جلسه ۶۲۸ مورخ ۱۳۸۷/۵/۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر اینکه حداقل ۶۵ درصد حجم پذیرش دانشجوی دوره‌های روزانه به صورت استانی پذیرش شوند، شاخص داوطلبان شهرستانی به خصوص داوطلبان شاخص شهرستانی - را در قیاس با گذشته کاهش داد. به دنبال اعتراضات این عده از داوطلبان، مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های مادر و مهم دولتی مقرر دانست ظرفیت تعدادی از رشته‌های پرمقتاضی در ۱۸ دانشگاه بزرگ کشور به میزان ۱۰ درصد افزوده شود و این افزایش صرفاً با تأثیر سهمیه مناطق ۱، ۲ و ۳ کشوری و به صورت آزاد و بدون تأثیر هرگونه سهمیه بندی‌های دیگر صورت گیرد. اجرای این قانون هر چند، افزایش پذیرش و جابجایی تعدادی از ذینفعان را در پی داشت، اما از قابلیت لازم برای جبران تمامی فرصت‌های از دست رفته داوطلبان رتبه بالای شهرستانی برخوردار نبود.

مقدمه

انتشار نتایج آزمون سراسری سال ۱۳۸۷ با اعتراض تعداد قابل توجهی از داوطلبان مواجه شد، تا آنجا که شمار قابل توجهی از داوطلبان، به تجمع در مقابل سازمان سنجش آموزش کشور و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دست زدند. با تداوم تجمع و اعتراض داوطلبان به نتایج آزمون، ۱۷۲ نماینده مجلس در نامه‌ای به وزیر علوم، تحقیقات و فناوری متذکر شدند که «جمع کثیری از داوطلبان، علی‌رغم داشتن رتبه‌های دو یا سه رقمی در محل مورد نظر یا مورد انتظار قبول نشده‌اند و شبهاتی مبنی بر تضییع حقوق داوطلبان وجود دارد».

اما صرف‌نظر از اینکه تضییع حقی صورت گرفته یا نگرفته باشد، نفس بروز اعتراض جمعی و گسترده داوطلبان نشان‌دهنده غیرعادی بودن نتایج آزمون و برآورده نشدن انتظار کثیری از داوطلبان است.

۱. اعتراض پر دامنه به نتایج آزمون

غیرعادی بودن نتایج آزمون سراسری ۱۳۸۷ از اجرای مصوبه جلسه ۶۲۸ مورخ ۱۳۸۷/۰۵/۰۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی نشئت می‌گرفت، که به پیشنهاد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به تصویب رسیده بود و سازمان سنجش آموزش کشور را مکلف می‌کرد به اینکه «حداقل ۶۵ درصد حجم پذیرش دانشجو در دوره‌های روزانه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی» را براساس گسترش رشته‌های آموزش عالی و با هماهنگی وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت درمان و آموزش پزشکی





به صورت استانی انجام دهد.

اما این تغییر در حد مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز محدود مانده است، بلکه بنابر اعلام معاون فنی و آماری سازمان سنجش آموزش کشور، برای مثال ۸۰ درصد ظرفیت پذیرش رشته مهندسی برق دانشگاه‌های تهران نیز به داوطلبان ناحیه‌ای - شامل داوطلبان استان‌های تهران، سمنان، زنجان، قم، مرکزی و قزوین اختصاص داده شده است. به این ترتیب سهم داوطلبان شهرستانی از دانشگاه‌های تهران - که در ردیف بالاترین، معتبرترین و پر مشتری‌ترین دانشگاه‌های کشور قرار دارند - در آزمون سراسری سال ۱۳۸۷ حسب مورد ۲۵ تا ۳۵ درصد بوده است. بنابر اعلام رئیس سازمان سنجش آموزش کشور، در سال ۱۳۸۷ در مجموع ۷۴/۷۱ درصد پذیرش دانشجو به صورت بومی صورت گرفته است که این نسبت در دوره روزانه با ۱۱ درصد افزایش نسبت به سال قبل به ۵۹/۱۱ درصد و در دوره شبانه با ۸ درصد افزایش نسبت به سال قبل به ۷۹/۹۶ درصد رسیده است.

۲. سهمیه بندی

پیش از این پذیرش دانشجو برای دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی کشور بر اساس «کلیات طرح پیشنهادی سازمان سنجش آموزش کشور در مورد گزینش بومی آزمون سراسری» مصوب دویست و سیزدهمین جلسه مورخ ۱۳۶۹/۰۲/۱۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام می‌شده است.

به موجب طرح مذکور کلیه رشته‌های تحصیلی، بر حسب ماهیت رشته، گسترش آن رشته‌ها در سطح کشور و نیاز جامعه به نوع تخصص‌ها به پنج دسته مشتمل بر



رشته‌های استانی، ناحیه‌ای، قطبی، کشوری و خاص تقسیم می‌شوند.

رشته‌های استانی، اطلاق به رشته‌هایی است که در اکثر استان‌ها گسترش داشته و از نظر کاربردی نیز آن استان‌ها به متخصصان بومی نیاز دارند. به موجب طرح مذکور هر گونه امتیاز سهمیه‌بندی در رشته‌های استانی به داوطلبان بومی استان ذیربط داده می‌شود (بند «۲-۲»).

رشته‌های ناحیه‌ای، به آن گروه از رشته‌های تحصیلی اطلاق می‌شود که در اکثر استان‌ها وجود ندارند، بلکه در چند استان مجاور - که به ناحیه تعریف می‌شود - گسترش یافته‌اند. هر گونه امتیاز سهمیه‌بندی در رشته‌های ناحیه‌ای به داوطلبان بومی ناحیه ذیربط داده می‌شود (بند «۲-۲»).

۱. بر همین اساس در طرح مصوب، کشور به ۹ ناحیه به شرح زیر تقسیم شده است:

شماره ناحیه	استان‌های ناحیه
۱	تهران، سمنان، مرکزی و زنجان
۲	آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی
۳	اصفهان، چهارمحال و بختیاری و یزد
۴	سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان
۵	بوشهر، فارس و کهگیلویه و بویراحمد
۶	باختران، کردستان و همدان
۷	ایلام، خوزستان و لرستان
۸	خراسان
۹	گیلان و مازندران



رشته‌های قطبی شامل رشته‌هایی است که در چند ناحیه مجاور - که به قطب تعریف می‌شود^۱ - گسترش یافته‌اند. هرگونه سهمیه‌بندی در رشته‌های قطبی به داوطلبان بومی قطب زیربط داده می‌شود (بند «۲-۲»).

رشته‌های کشوری اطلاق به رشته‌هایی است که در اکثر قطب‌ها وجود نداشته و فقط در تعدادی از دانشگاه‌های کشور ارائه می‌شوند. همه ظرفیت رشته‌های کشوری به داوطلبان بومی مناطق، نهادها و رزمندگان اختصاص داشته است (بند «۴-۲»).

رشته‌های خاص ماهیتی غیرکاربردی دارند و به رشته‌های علمی محض نظیر فیزیک و ریاضی اطلاق می‌شود. در مورد این رشته‌ها هیچ نوع سهمیه‌ای اعمال نمی‌شود و داوطلبان صرفاً بر حسب نمره بالاتر گزینش می‌شوند.

علاوه بر تقسیم‌بندی رشته‌ای، بنابر مصوبه مورد اشاره بخش‌های مختلف کشور با توجه به شاخص‌های ضریب محرومیت، به‌ویژه محرومیت آموزشی، به سه منطقه ۱ و ۲ و ۳ تقسیم‌بندی شده‌اند و در این تقسیم‌بندی داوطلبان ساکن در کشورهای حوزه خلیج فارس و داوطلبان غیره با یک درجه امتیاز در سهمیه منطقه محروم‌تر قرار می‌گیرند (تبصره‌های «۱» و «۲» و بند «۱-۲»).

۲۰ درصد ظرفیت رشته‌های استانی، ناحیه‌ای و قطبی به‌صورت آزاد و ۸۰ درصد

۱. قطب‌ها و استان‌های هر قطب به شرح زیر اعلام شده است:

قطب	استان‌های قطب	ناحی
تهران یا شمال	تهران، سمنان، مرکزی، زنجان، گیلان و مازندران	(۹و۱)
خراسان یا شرق	سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان و خراسان	(۸و۴)
آذربایجان یا غرب	آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، باختران، کردستان و همدان	(۶و۲)
اصفهان یا مرکز	اصفهان، چهارمحال و بختیاری، یزد، ایلام، خوزستان و لرستان	(۷و۳)
شیراز یا جنوب	فارس، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد	(۵)



بقیه به داوطلبان شرکت‌کننده در سهمیه مناطق، نهادها (خانواده شهدا، جهادگران و نهضت‌سوادآموزی) و رزمندگان بومی استان^۱، ناحیه و یا قطب زیربط تعلق می‌گیرد. نهایت اینکه سهم هر یک از مناطق ۱، ۲ و ۳ و نهادها به نسبت مساوی با توجه به تعداد داوطلبان علاقه‌مند شرکت‌کننده در هر یک از سهمیه‌های زیربط محاسبه و اختصاص می‌یابد (بند «۶-۲»). به بیان دیگر در صورتی که داوطلبان مناطق سه‌گانه و رزمندگان به ترتیب ۴۵، ۲۵ و ۱۰ درصد فرض شود. تعداد پذیرفته‌شدگان سهمیه‌های مذکور نیز صرفنظر از نمره و رتبه آنها به همین نسبت تعیین می‌شود. یعنی ۴۵ درصد از ظرفیت‌ها به پذیرفته‌شدگان منطقه ۱ تعلق می‌گیرد و ۱۰ درصد از ظرفیت‌ها به بالاترین نمره‌ها از بین داوطلبان رزمنده اختصاص می‌یابد. به این ترتیب قابل پیش‌بینی است که سطح نمرات پذیرفته‌شدگان سهمیه مناطق ۲ و ۳ و رزمندگان از سطح نمرات پذیرفته‌شدگان منطقه ۱ کمتر باشد و این ترتیب در مورد سهمیه‌های بعدی نیز مصداق دارد.

به این ترتیب داوطلبان مناطق سه‌گانه و سایر سهمیه‌ها در همه رشته محل‌های پذیرنده دانشجوی متناسب با تعداد داوطلبان شانس قبولی داشته‌اند. به بیان روشن‌تر برای دانش‌آموزان ممتاز شهرستان‌های دوردست نیز همواره امکان قبولی در بالاترین و پرطرفدارترین رشته‌های تحصیلات دانشگاهی وجود داشته است.

برای مثال برای رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران که ۱۵۲ ظرفیت را در آزمون ورودی سال ۱۳۸۷ اعلام کرده است، برابر فرض قبلی، ۶۸ ظرفیت به داوطلبان

۱. استفاده از امتیاز بومی در رشته‌های استانی، ناحیه‌ای و قطبی خاص داوطلبانی است که سه سال آخر دوره متوسطه خود را در همان استان، ناحیه و یا قطب گذرانده باشند. در صورت نداشتن شرط مذکور استان محل تولد ملاک عمل خواهد بود (تبصره «۳» بند «۶-۲»).



دارای بالاترین رتبه‌های منطقه ۱، ۳۸ ظرفیت به داوطلبان دارای بالاترین رتبه‌های منطقه ۲، ۲۳ ظرفیت به داوطلبان دارای بالاترین رتبه‌های منطقه ۳ و ۱۵ ظرفیت به بالاترین رتبه‌های داوطلبان رزمنده تعلق می‌گرفته است. این تقسیم‌بندی در شرایطی بود که سایر داوطلبان منطقه ۱ حتی در صورتی که نمره بالاتری نسبت به پذیرفته‌شدگان مناطق ۲ و ۳ و رزمنندگان کسب کرده بودند، راهی برای ورود به رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران نداشتند.

این شیوه چه به جهت اینکه امکان می‌داد که دارندگان بالاترین رتبه‌ها در تمامی سهمیه‌ها به رشته‌های مورد علاقه خود دست یابند و چه از آن حیث که با اجرای نزدیک به دو دهه به یک رویه تبدیل شده بود، احساس ناخوشایندی در مجموعه داوطلبان بر نمی‌انگیخت، حال آنکه اعمال این سهمیه‌ها به‌طور طبیعی می‌توانست اعتراض داوطلبان منطقه ۱، به‌خصوص داوطلبان تهرانی را در پی داشته باشد.

۳. بومی‌گزینی

بومی‌گزینی، چنان‌که در بحث مربوط به سهمیه عنوان شد، در آزمون‌های قبلی کم‌وبیش و با حفظ حریم سهمیه‌ها معمول بوده است، با این حال مصوبه جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی به یکباره امتیاز سهمیه‌های آزمون، که طی نزدیک به دو دهه نهادینه شده بود، را به هم می‌زند و سهم عمده ظرفیت‌های پذیرش را به داوطلبان استانی واگذار می‌کند.

در خصوص این مصوبه چند نکته مطرح است:



اول: مصوبه مورد بحث در جلسه مورخ اول مرداد ماه ۱۳۸۷ – یعنی پس از برگزاری آزمون و انتخاب رشته داوطلبان - به تصویب رسیده است. بنابراین اجرای آن برای داوطلبانی که کمترین اطلاعی از محتوای مصوبه و آثار مترتب بر آن ندارند، از توجیه حقوقی لازم برخوردار نیست. در این خصوص، حتی ادعای سازمان سنجش آموزش کشور، مبنی بر اعلام قبلی موضوع در دفترچه راهنمای آزمون نیز مسموع نمی‌تواند باشد، زیرا داوطلب ورود به دانشگاه نه به لحاظ روحی و نه به لحاظ آگاهی در شرایطی قرار ندارد که آثار مترتب بر بومی‌گزینی را - برابر با واقعیت‌ها - درک کند.

دوم: بزرگ‌ترین و معتبرترین دانشگاه‌های کشور و رشته‌های تحصیلی مورد علاقه اکثر داوطلبان به‌طور کلی در تهران و چند شهر بزرگ مرکز استان واقع شده است. در اینحال بومی‌گزینی در عمل به منزله ارفاق به داوطلبان منطقه ۱ و ایجاد محدودیت برای داوطلبان سایر سهمیه‌هاست، که به هیچ وجه موجه نمی‌نماید، بلکه در شرایطی که معتبرترین دانشگاه‌های کشور در مکان‌های خاص و محدودی مجتمع شده‌اند. شاید حذف کلیه سهمیه‌ها و واگذاری ظرفیت‌های دانشگاهی به اختیار داوطلبان دارای بالاترین نمره و رتبه - صرفنظر از محل سکونت و تحصیل - بیش از این موجه می‌نمود که با اجرای مقررات بومی‌گزینی، بیشترین و برترین شانس قبولی به داوطلبان ساکن در شهرهای برخوردار کشور داده شود و داوطلبان شهرستانی با توجیه بومی‌گزینی از حیث رشته انتخابی و دانشگاه محل تحصیل در محرومیت و محدودیت قرار داده شوند.



۴. تعدیل سیاست بومی‌گزینی با وضع قانون

در جهت پاسخگویی به اعتراضات داوطلبان شهرستانی و با هدف تعدیل آثار تعجیل سازمان سنجش آموزش کشور در اجرای مصوبه بومی‌گزینی، مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست‌ویکم مهر ماه ۱۳۸۷ قانون افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های مادر و مهم دولتی را به تصویب رساند. به موجب قانون مذکور مقرر شد ظرفیت رشته‌های فنی و مهندسی و پزشکی و حقوق (و سایر رشته‌های علوم انسانی مورد تقاضای بالای داوطلبان، به تشخیص وزارت علوم) در ۱۸ دانشگاه بزرگ کشور، در صورتی که در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۸۶ کاهش ظرفیت پذیرش داشته‌اند به میزان ظرفیت پذیرش سال ۱۳۸۶ افزایش یابد و علاوه بر آن ۱۰ درصد به ظرفیت پذیرش دانشجو در سال ۱۳۸۷ در رشته‌های مذکور اضافه گردد. با این توجه و تأکید که «افزایش ظرفیت ایجاد شده بر طبق این قانون براساس نمره زیر گروه مربوطه در آزمون سراسری سال ۱۳۸۷ صرفاً با تأثیر سهمیه مناطق ۱، ۲ و ۳ کشوری و به‌صورت آزاد و بدون تأثیر هر گونه سهمیه‌بندی‌های دیگر صورت می‌گیرد».

در اجرای این قانون، بنابر اعلام سازمان سنجش آموزش کشور، کل ظرفیت‌های مشمول قانون در رشته‌های فنی و مهندسی، پزشکی و حقوق در هیجده دانشگاه مورد نظر ۷۰۶ نفر بوده است. حال آنکه آن سازمان با پذیرش ۱۰۳۸ نفر به‌عنوان تکمیل ظرفیت دانشگاه‌ها - که تعدادی از رشته‌های مذکور با رشته‌های موضوع قانون مورد



نظر مشترک بوده است - تعداد کل پذیرفته‌شدگان را به ۱۷۴۴ نفر افزایش داده است.^۱

۵. بومی‌گزینی آزمون سراسری در سال ۱۳۸۸

براساس مصوبه کمیته منتخب شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۸۸/۲/۱۵، بومی‌گزینی در آزمون سراسری سال ۱۳۸۸، با توجه به رشته‌های پرطرفدار مورد تعدیل قرار گرفته است. تا از این طریق اندکی از آثار ناخوشایند مصوبه بومی‌گزینی سال ۱۳۸۷ کاسته شود. براین‌اساس در کلیه گرایش‌های رشته‌های مهندسی برق، مهندسی مکانیک، مهندسی کامپیوتر، مهندسی عمران، مهندسی معماری، مهندسی صنایع (در گروه آزمایشی ریاضی و فنی)، پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و دامپزشکی (در گروه آزمایشی علوم تجربی)، حقوق، روان‌شناسی و حسابداری (در گروه آزمایشی علوم انسانی)، پذیرش بومی پس از کسر سهمیه ایثارگران (۴۰ درصد) به‌صورت (۶۰ درصد) گزینش بومی و (۴۰ درصد) گزینش آزاد صورت گیرد. لازم به‌ذکر است در صورت عدم تکمیل ظرفیت اختصاصی به سهمیه ایثارگران، باقی‌مانده ظرفیت به‌صورت ۵۰ درصد گزینش بومی و ۵۰ درصد گزینش آزاد به پذیرش داوطلبان اختصاص خواهد یافت و گزینش در سایر رشته‌های آزمون سراسری براساس مصوبات جلسه ۲۱۳ مورخ ۱۳۶۹/۲/۱۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و کمیته مطالعه و برنامه‌ریزی کنکور صورت خواهد گرفت. به این ترتیب که پذیرش بومی پس از کسر سهمیه ایثارگران (۴۰ درصد) به‌صورت ۸۰ درصد بومی

۱. نامه شماره ۱۰۷۶۰۹/س مورخ ۸۷/۰۹/۱۶ رئیس سازمان سنجش آموزش کشور به رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی.



و ۲۰ درصد سهمیه آزاد صورت خواهد پذیرفت و در صورت تکمیل سهمیه ایشارگران، باقی مانده ظرفیت به صورت بومی جهت پذیرش داوطلبان اختصاص خواهد یافت.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه گذشت، اینک این سؤال مطرح است که آیا اضافه پذیرش ۱۷۴۴ نفر در سال ۱۳۸۷، حتی اگر همه این افراد به رشته محل های مورد نظر قانون مصوب ۱۳۸۷/۰۷/۲۱ دست یافته باشند، برای جبران کاستی های ناشی از اعمال بومی گزینی ۶۵ درصدی کفایت دارد؟ و آیا اگر در این میان حقی از داوطلبان تضييع شده باشد، آیا با اجرای قانون مذکور، به شرحی که گذشت، امکان استیفای آن فراهم آمده است یا خیر؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت که بازگشت به وضعیت گذشته - بلا اقدام گذاشتن مصوبه بومی گزینی برای داوطلبان آزمون سراسری سال ۱۳۸۷ - در صورتی که به عنوان حق مکتسبه داوطلبان شناخته شود، هنگامی می توانست محقق شود که گزینش دانشجو براساس انتخاب های قبلی داوطلبان و براساس ظرفیت های جدید، تجدید گردد. اما در شرایط استقرار پذیرفته شدگان در کلاس هایی که با توجه به سیاست بومی گزینی به آنها تعلق گرفته است، پذیرش ۱۰۴۴ نفر در معدود رشته های پیش گفته تنها به جابجایی دانشجویان پذیرفته شده در مرحله اول اعلام نتایج آزمون می انجامد.

به این ترتیب آنچه به عنوان ظرفیت های اضافی معرفی می شود در حقیقت ناشی از خالی شدن ظرفیت در دیگر دانشگاه ها و به نوعی جابجایی است که البته ممکن است رضایت قلبی از داوطلبان را به دنبال داشته باشد، اما اگر تداوم سیاست های



قبلی گزینش دانشجو به عنوان حق داوطلبان آزمون سراسری سال ۱۳۸۷ در نظر گرفته شود، با فرض جلب رضایت عده ای از داوطلبان این اقدام را «احقاق حق» نمی توان نامید. به خصوص که محتوای قانون مصوب مجلس شورای اسلامی از قابلیت لازم برای جبران تمامی فرصت های از دست رفته داوطلبان رتبه بالای شهرستانی برخوردار نیست.

سؤال دیگری که در ارتباط با مصوبه جدید شورای انقلاب فرهنگی برای داوطلبان آزمون سراسری سال ۱۳۸۸ مطرح می شود این است که آیا تعدیل در مصوبه سال گذشته می تواند ضعف های آن مصوبه را به طور کامل برطرف سازد و دغدغه داوطلبان ورود به دوره های دانشگاهی در دانشگاه های معتبر کشور را مرتفع کند؟ در پاسخ به این سؤال نیز باید متذکر شد که اولاً رشته های مورد علاقه اکثریت داوطلبان به ۱۳ رشته پیش گفته محدود نیست. هر چند که ممکن است رشته های مذکور در سال های گذشته بیشترین تعداد انتخاب ها را به خود متوجه کرده باشند. ثانیاً تأثیر شهرت و اعتبار اجتماعی دانشگاه های بزرگ و پرسابقه کشور را، صرف نظر از نوع رشته و امکانات و قابلیت های علمی و آموزشی آنها، نباید در سرنوشت علمی و حرفه ای دانش آموختگان آن دانشگاه ها نادیده انگاشت. به این لحاظ اصرار بر ۸۰ درصد گزینش بومی در کثیری از رشته های دانشگاهی در دانشگاه های بزرگ کشور می تواند همچنان دانش آموزان مستعد شهرستانی را از رفتن به دانشگاه های بزرگ کشور باز دارد. حال آنکه انتخاب راه میانه یعنی پذیرش دانشجو برای دانشگاه های بزرگ کشور براساس سطح نمره داوطلبان و بی توجه به سهمیه می تواند به حل این مشکل از یکسو و ارتقای سطح آن دانشگاه ها از سوی دیگر بینجامد.



منابع و مآخذ

۱. دفترچه راهنمای آزمون سراسری سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸.
۲. مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۶۹/۰۲/۱۱ و ۱۳۸۸/۲/۱۵.
۳. قانون افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های مادر و مهم دولتی، مصوب ۱۳۸۷/۷/۲۱ مجلس شورای اسلامی.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۸۴۱

عنوان گزارش: ارزیابی اجرا و آثار قانون افزایش پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های مادر و مهم دولتی در سال ۱۳۸۷

نام دفتر: مطالعات اجتماعی (گروه آموزش عالی)

تهیه و تدوین: احمد داوری

ناظر علمی: ایروان مسعود اصل

متقاضی: احمد توکلی (رئیس مرکز پژوهش‌ها)

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۶/۱۰